

# آموزگاران گمنام

● نرجس مرتضوی

آموزگار مرکز اختلالات یادگیری شهید عابدین پور، بابلسر

آموزش و پرورش هر جامعه تنها سازمانی است که هر ساله کلنگ میلیون‌ها بنای انسانی را به زمین می‌زند و پس از ۱۲ سال آن‌ها را تحویل جامعه می‌دهد تا از خدماتشان استفاده شود. این سازمان با این حجم ساخت و ساز رو دست ندارد. حقیقت است که آموزش و پرورش را بزرگ‌ترین و تنها سازمان تراکم‌ساز از نوع انسانی بدانیم. ساخت و ساز آموزش و پرورش آن قدر محکم است که هیچ کدام از بلایای طبیعی مثل توفان و زلزله نمی‌تواند آن را ویران کند.

به راستی چه چیزی توانسته است آموزش و پرورش را با وجود داشتن عمر طولانی و حجم زیاد کاری سر پا نگه دارد و باعث شود که خم به ابرو نیاورد؟ اینجاست که معماران پایه‌گذار این سازمان عظیم به خودنمایی پرداخته‌اند و ادعا می‌کنند: «راز کار، وجود ماست.» می‌گویند: «ماییم که بنای این ساختمان‌ها را از بنیان و اساس محکم می‌کنیم. ماییم که پایه‌ی ساختمان را با مصالح اصیل جان و دل بدون کم گذاشتن بی‌ریزی می‌کنیم. ماییم که با به روز کردن مصالح خود از نظر علم و دانش، توانایی انجام کار، توجه به تفاوت‌های فردی هر بنا، که در چه خاکی و چه زمینی بهتر ساخته می‌شود، کار ساخت این ساختمان‌ها را شروع می‌کنیم. اگر ما نباشیم، این ساختمان‌ها هر آن ممکن است فرو بریزند و با هر نسیمی دچار لرزش و لغزش شوند. ماییم که از جان و دل خود مایه می‌گذاریم و خشت‌خشت آن‌ها را روی هم می‌چینیم و تحویل معماران بعدی می‌دهیم تا کار ساختمان را به اتمام برسانند. ما آموزگارانی هستیم که با کمترین امکانات و بودجه پایه‌های عظیم و استواری را بنا می‌نهمیم. ماییم که بدون هیچ چشم‌داشتی از صمیم قلب برای آینده‌سازان این آب و خاک تلاش می‌کنیم؛ همان‌هایی که شغل بزرگ انبیا می‌داریم، همان‌هایی که همیشه گمنام هستیم، همان‌هایی که بعد از رفتنمان جای خالی‌مان حس می‌شود، همان‌هایی که کمتر دیده می‌شویم و کمتر مورد لطف قرار می‌گیریم. همان‌هایی که بیشتر آسیب‌پذیریم ولی آسیب نمی‌رسانیم. همان‌هایی که با بی‌انصافی تمام لقب بزرگ‌ترین قشر مصرف‌کننده را دریافت کرده‌ایم ولی دریغ از چشم بینایی که این همه دانشمند، مدیر، رئیس، پزشک، متخصص، استاد و... را ببیند و درک کند که آن‌ها نتیجه‌ی کار و تلاش دلسوزانه‌ی همین معمارانی هستند که ناجوانمردانه برچسب مصرف‌کننده بر پیشانی دارند. هیئات از گوش شنوایی که صدای این آینده‌سازان را نشود که نگاه مظلومانه‌شان فریاد می‌زند: «ما را ببینید و بشنوید و از ما غافل نمانید.»

## رکورد زدیم

نیازی به گفتن نیست که ما در سال جاری رکورد دریافت بیشترین مقاله از سوی مخاطبان و آموزگارانی و استفاده از آن‌ها را داشته‌ایم. خوشحالیم که به مجله‌ی خودتان عنایت دارید و با آن زندگی می‌کنید. دعوت ما و حضور حداکثری شما عزیزان به جایی رسیده است که یکی از همکاران به طنز از «صبر سردبیر» سخن به میان آورده و از این همکاری حتی در صرفصل «سردبیر شما» اظهار شگفتی کرده است. بخش‌هایی از نوشته‌ی شهین صادقی از آبادان را در این ارتباط می‌خوانید:

«یادداشت سردبیر شاکله‌ی یک روزنامه یا مجله است... چکیده‌ی تفکر و ایده‌های سایر مطالب در یادداشت سردبیر است که به نشریه هویت می‌بخشد... چرا مجله‌ی وزین رشد آموزش ابتدایی صندلی سردبیری و قلم او را به مزایده گذاشته است؟ همکاران خوبم، فرهیختگان جامعه، شما که می‌دانید رسالت سردبیر چقدر سنگین است و وزن نوشتن چه ثقیل... کجای کار هستید؟ نوشتن، سنگین و تعهدآور است.»

عجب صبری سردبیر دارد! اگر جای او بودم از عکس‌های یک عکاس استفاده نمی‌کردم... سردبیر باید جواب دیگران را هم بدهد... خلاصه از شما چه پنهان، همان بهتر که او بر جای خود بنشیند.»

